

## تأثیرپذیری سبکی حزین لاهیجی از حافظ شیرازی

(۲۵۷-۲۷۳)

احمدرضا کیخای فرزانه<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱/۲

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۱/۳/۲۰

### چکیده

حزین لاهیجی در غزلهایش یکی از پیروان راستین شعر حافظ است. از شعر حزین چنین بر می‌آید که افکار، مضامین و حتی لغات و ترکیبات کلام حافظ زمزمه روح و جان این شیفته و دل‌باخته سخن حافظ بوده که این گونه فراگیر در سراسر شعرش تجلی یافته است. این پژوهش بر آن است تا دریچه‌ای نو به روی پژوهندگان و دوستداران شعر و غزل حزین لاهیجی بگشاید و اثبات نماید که هرچند حزین در غزلهایش از شاعرانی بزرگ همچون: سنایی، عطار، عراقی، مولوی، سعدی، اوحدی، قاسم انوار، جامی، بابافغانی و نظیری نام برده و به پیروی از آنها غزلهایی سروده است؛ ولی بیش از همه سخن حزین به سخن حافظ نزدیکتر است و از جهات گوناگون: لغات و ترکیبات، موسیقی، وزن و قافیه، صورخیال و زیباییهای ادبی و اندیشه و مضامین شعری بویژه تلفیق عشق و عرفان در صدد پیروی از حافظ شیرازی بوده است.

### کلمات کلیدی

سبک‌شناسی، غزل فارسی، سبک هندی، حافظ، حزین

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان keikhafarzane@lihuosb.ac.ir

## مقدمه

شیخ محمد علی فرزند ابی طالب، نام جدش عبدالله و نسبش تا شانزده پشت به شیخ زاهد گیلانی می‌رسد. در روز دوشنبه ۲۷ ربیع‌الآخر در سال ۱۱۰۳ در شهر اصفهان متولد شد. در تذکره مجمع الفصحاء شرح حال او در یک سطر چنین آمده: «نامش شیخ محمدعلی و از احفاد شیخ زاهد گیلانی، به هندوستان رفته، معزز زیست». (تذکره ریاض العارفین، هدایت، ج ۲: ص ۳۰۷)

در مورد فضایل اخلاقی و شخصیت اجتماعی او آمده: «مردی قناعت پیشه و منزوی و بلندهمت بود و روحیه مبارزه‌جویی و عدالت‌خواهی داشت و هم از این رو بود که هرگز از شاهان و بزرگان کمک نگرفت». (فرهنگ ادبیات فارسی، شریفی: ص ۵۲۸) بنابراین عرفان او باعث نشد که از جامعه و مردم ببرد و دوری‌گزیند و مردم را با زورگویان و ستمگران تنها گذارد یا برای منافع دنیوی به دربار شاهان نزدیکی جوید. «او عارفی مردمی و گوینده‌ای در صحنه سیاست روزگار خویش و دارای هدف سیاسی و اجتماعی است. شخصیتی دارد که شاه صفوی از او خواهش می‌کند که در سفر همراهش باشد و او نمی‌پذیرد و نیز شاه را در امور سیاسی کشور، هدایت و نصیحت می‌کند». (مقدمه دیوان حزین لاهیجی تصحیح صاحبکار: ص ۱۹) در شعر سبک هندی، مضمون آفرینی و نازک‌خیالی و معانی پیچیده به افراط کشیده شده اما شعر حزین «برخلاف همه معاصرینش و حتی بسیاری از پیشینیانش، از نظر بیان و تخیل بسیار روشن و فصیح است، البته در مقام قیاس با دیگر شاعران سبک هندی.

حزین نه تنها در قالبهای گوناگون نظم فارسی، همچون: قصیده، غزل، مثنوی، رباعی و قطعه طبع آزمایی کرده و بویژه در غزل از سرآمدان زمانه خویش بوده، بلکه در زمینه نثر فارسی نیز نویسنده‌ای موفق بوده است این مدعا با آثار بازمانده از وی اثبات می‌شود. «حزین و آذر یادداشتهایی در حوادث انقراض صفویه و حمله افغانان و ظهور نادرشاه نوشته‌اند که بسیار مفید و از لحاظ سادگی و روانی و خوش‌اسلوبی قابل توجه و شایان تمجید است». (سبک‌شناسی، بهار، ج ۳: ص ۳۰۴) «تاریخ حزین» و «تذکره حزین» از آثار منثور معروف او به شمار می‌آید. «...تاریخ حزین، که شرح زندگانی خود اوست و از نظر تاریخی دارای اهمیت است. گزارش احوال سیاستمداران، فقها و شاعران زمان او به این اثر ارزش ویژه‌ای بخشیده است. برای تذکره حزین ویژگیهایی ذکر شده که هرچند مطالب را به اختصار بیان کرده دارای برخی تحلیلهاست که در دیگر تذکرها کمتر یافت می‌شود. «تذکره حزین نیز جزو آن دسته از تذکره‌هایی است که اطلاعات اندکی درباره شعرا به دست می‌دهد و معمولاً به سرعت از کنار هر شاعر عبور میکند تا آنجا که درباره بعضی از شاعران فقط به ذکر نام بسنده میکند. با همه این احوالات این تذکره معمولاً از تحلیل شعرها خالی نیست». (بیگانه مثل معنی، محمدی: ص

<sup>(۷۱)</sup> در این نظر که همه شاعران و نویسندگان، حتی شاعران و نویسندگان برجسته و طراز اول نیز از آثار ادبی و علمی قبل از خود بهره‌ها گرفته‌اند، شک و تردیدی نیست؛ زیرا آفرینش اثر ادبی و هنری که صددرصد نو و اختراعی باشد و با گذشته ارتباطی نداشته باشد غیر ممکن است. با توجه به آنچه که در مورد شخصیت اجتماعی حزین و ویژگیهای شعر او نقل شده، همانندی بسیار با شخصیت حافظ و شعر عشقی، عرفانی و اجتماعی حافظ دارد. در این پژوهش غزلهای حافظ و حزین به جهات گوناگون مورد مذاقه و بررسی قرار گرفت و با شواهد بسیار به اثبات رسید که حزین در غزل به حافظ و شعر او بیش از دیگر شاعران توجه داشته است (در زمینه توجه حزین در مثنوی به شعری دیگر مراجعه شود به مقاله نگاه حزین لاهیجی به شاعران در اصناف شعر، علی مؤذنی).

### ۱. تأثیرپذیری سبکی حزین از حافظ در سطح زبانی

#### موسیقی بیرونی و کناری

در آغاز به اشتراکات غزلهای حافظ و حزین از نظر موسیقی بیرونی و کناری پرداخته شده به عبارت دیگر مطلع غزلهایی که حزین لاهیجی به اقتفا و پیروی از حافظ شیرازی با وزن، قافیه و ردیف یکسان سروده ذکر شده است. به هر حال به نظر میرسد وقتی که شاعری شعر یا غزل شاعر قبل از خود را میپسندد در آغاز سعی میکند تا بر همان وزن، قافیه و ردیف، غزل بسراید و تأثیرپذیری در سطح لغات و ترکیبات، صور خیال و اندیشه و مضامین شعری در ردیفهای بعدی قرار میگیرند. شایسته است که این پژوهش با بررسی همین تأثیر پذیری حزین از حافظ آغاز میشود. برای پرهیز از اطاله سخن فقط مطلع بعضی غزلها و یا شماره آنها ذکر میشود.

حزین لاهیجی به پیروی از پنجاه غزل حافظ، پنجاه و شش غزل سروده است که در چهارگروه، دسته بندی شد. شماره و مطلع غزلهای هر دو شاعر نیز ذکر گردید و بعلاوه جدولهای مناسب رسم شد. آنچه از این مقایسه بر می آید این است که حزین بیشتر به غزلهای دارای وزن نرم و جویباری توجه داشته و جز سه مورد کمتر به وزنهای دوری و متناوب الارکان یا ضربی و تند روی آورده است.

نکته دیگر اینکه وزنهای سالم بلند و طولانی همچون رجز مثنیٰ سالم و ... همچنین وزنهای کوتاه نیز کمتر مورد استقبال واقع شده است بلکه توجه حزین بیشتر متوجه وزنهای متوسط در غزلهای حافظ بوده است.

جدول یکسانی وزن ، قافیه و ردیف در غزلهای حافظ و حزین

ردیف	نام وزن و بحر عروضی	بسامد در غزلهای حافظ	درصد	بسامد در غزلهای حزین	درصد
۱	فعلاتن فعلاتن فعلاتن فُعَلِن (فَعْلان ، فع لن ، فع لان) رمل مَثْمَن مَخْبُون محذوف (مقصور ، اصلم ، اصلم مسبغ)	۱۸	۴۷.۳۶	۱۹	۴۵.۲۳
۲	مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن (مفاعیل) هزج مَثْمَن اِخْرَب مکفوف محذوف (مقصور)	۶	۱۵.۷۸	۶	۱۴.۲۸
۳	مفعولُ فاعلاتنُ مفاعیلُ فعولن (مفاعیل) مضارع مَثْمَن اِخْرَب مکفوف محذوف (مقصور)	۵	۱۳.۱۵	۵	۱۱.۹۰
۴	مفاعِلن فعلاتن مفاعِلن فُعَلِن (فَعْلان ، فع لن ، فع لان) مجتث مَثْمَن مَخْبُون محذوف (مقصور ، اصلم ، اصلم مَسْبِغ)	۴	۱۰.۵۲	۴	۹.۵۲
۵	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن هزج مَثْمَن سالم	۱	۲.۶۳	۴	۹.۵۲
۶	مفعولُ فاعلاتن // مفعولُ فاعلاتن مضارع مَثْمَن اِخْرَب	۲	۵.۲۶	۲	۴.۷۶
۷	مفعولُ مفاعیلن // مفعولُ مفاعیلن هزج مَثْمَن اِخْرَب	۱	۲.۶۳	۱	۲.۳۸
۸	مفتعلن مفاعِلن // مفتعلن مفاعِلن منسرح مَثْمَن مطویّ مَخْبُون	۱	۲.۶۳	۱	۲.۳۸
	جمع	۳۸	۱۰۰	۴۲	۱۰۰

## جدول یکسانی وزن و ردیف و نزدیکی قافیه در غزل‌های حافظ و حزین

ردیف	نام وزن و بحر عروضی	بسامد در غزل‌های حافظ	درصد	بسامد در غزل‌های حزین	درصد
۱	مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فَعْلَیْن (فَعْلان، فع لن ، فع لان) مجتث مَثْمَن مَخْبُون محذوف (مقصور، اصلم، اصلم مستغ)	۳	۷۵	۳	۷۵
۲	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (فاعلان) مضارع مَثْمَن اِخْرَب مکفوف محذوف (مقصور)	۱	۲۵	۱	۲۵
جمع		۴	۱۰۰	۴	۱۰۰

## جدول یکسانی وزن و ردیف و تفاوت قافیه در غزل‌های حافظ و حزین

ردیف	نام وزن و بحر عروضی	بسامد در غزل‌های حافظ	درصد	بسامد در غزل‌های حزین	درصد
۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فَعْلَیْن (فَعْلان ، فع لن ، فع لان) رمل مَثْمَن مَخْبُون محذوف (مقصور ، اصلم ، اصلم مستغ)	۴	۶۶.۶۶	۵	۷۱.۴۲
۲	مفتعلن فاعلات مفتعلن فع مسنرح مَثْمَن مَطْوِیّ منحور	۱	۱۶.۶۶	۱	۱۴.۲۸
۳	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (فاعلان) مضارع مَثْمَن اِخْرَب مکفوف محذوف (مقصور)	۱	۱۶.۶۶	۱	۱۴.۲۸
جمع		۶	۱۰۰	۷	۱۰۰

جدول یکسانی وزن و قافیه در غزل‌های حافظ و حزین

ردیف	نام وزن و بحر عروضی	بسامد در غزل‌های حافظ	درصد	بسامد در غزل‌های حزین	درصد
۱	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن هزج مَثَمَن سالم	۱	۵۰	۲	۶۶.۶۶
۲	فعلاتین فعلاتین فعلاتین فَعْلان (فَعْلان ، فَعْلان ، فَعْلان) رمل مَثَمَن مخبون محذوف (مقصور ، اصلم ، اصلم مستغ)	۱	۵۰	۱	۳۳.۳۳
	جمع	۲	۱۰۰	۳	۱۰۰

یکسانی وزن، قافیه و ردیف

الف - وزن فعلاتین فعلاتین فَعْلان (=فَعْلان، فَعْلان، فَعْلان)

حافظ: صوفی ار باده به اندازه خورد نوشش باد	حزین: صوفی ار باده به اندازه خورد نوشش باد
حز: عذر این بنده پذیرای دل و هوشش باد	حز: عذر این بنده پذیرای دل و هوشش باد
حز: دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند	حز: دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند
حز: گر به شوخی شرری در پر پروانه زدند	حز: گر به شوخی شرری در پر پروانه زدند
حز: در نمازم خم ابروی تو با یاد آمد	حز: در نمازم خم ابروی تو با یاد آمد
حز: عشق سرکش به فغان زین دل ناشاد آمد	حز: عشق سرکش به فغان زین دل ناشاد آمد
حز: تا ز میخانه و می نام و نشان خواهد بود	حز: تا ز میخانه و می نام و نشان خواهد بود
حز: همت ما مدد پیر و جوان خواهد بود	حز: همت ما مدد پیر و جوان خواهد بود
حز: دوش در حلقه ما قصه گیسوی تو بود	حز: دوش در حلقه ما قصه گیسوی تو بود
حز: طاق میخانه مستان خم ابروی تو بود	حز: طاق میخانه مستان خم ابروی تو بود
حز: مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید	حز: مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید
حز: اشکم از دیده به دنبال کسی می آید	حز: اشکم از دیده به دنبال کسی می آید
حز: ای صبا نکهتی از خاک ره یار بیار	حز: ای صبا نکهتی از خاک ره یار بیار

۱. عدد ذکر شده در پایان ترکیبات و ابیات بیانگر شماره غزل از دیوان حافظ به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی است.

۲. عدد ذکر شده در پایان ترکیبات و ابیات بیانگر شماره غزل از دیوان حزین با مقدمه و تصحیح بیژن ترقی است.

گه‌ری تحفه ز گنجینه اسرار بیار ۴۵۷  
 زین چمن سایه آن سرو روان ما را بس ۲۶۸  
 دولت‌وصل تو از هر دو جهان ما رابس ۴۸۰  
 کز سرزلف و رُحش نعل در آتش دارم ۳۲۶  
 لله الحمد که با سوزش دل خوش دارم ۶۴۹  
 تا ببینیم که سرانجام چه خواهد بودن ۳۹۱  
 آبروی خرد خام چه خواهد بودن ۶۶۵  
 خون خوری گر طلب‌روزی ننهاده کنی ۴۸۱  
 خاطر از خانقه و میکده آزاده کنی ۷۴۹  
 سر اگر در ره رندان دل افتاده کنی ۷۹۰

حز: ای صبا نکته ای از لعل لب یار بیار  
 ح: گل‌گذاری ز گلستان جهان ما را بس  
 ح: جلوه ناز تو ای سرو روان ما را بس  
 ح: در نهانخانه عشرت صنمی خوش دارم  
 ح: گرچه در سینه صد آتشکده آتش دارم  
 ح: خوشتر از فکرمی و جام چه خواهد بودن  
 ح: زهد ما با می گلفام چه خواهد بودن  
 ح: بشنو این نکته که خود را ز غم آزاده کنی  
 ح: لوح دل را اگر از نقش دویی ساده کنی  
 ح: خاطر از درد سر بیهده آزاده کنی

دیگر نمونه‌ها را در غزل‌های زیر میتوان مشاهده کرد: (ح: ۶۷ / ح: ۲۲۱)، (ح: ۷۴ / ح: ۲۳۱)، (ح: ۱۳۶ / ح: ۲۷۴)، (ح: ۱۴۰ / ح: ۴۲۰)، (ح: ۲۱۳ / ح: ۲۵۶)، (ح: ۳۳۶ / ح: ۶۰۸)، (ح: ۴۲۳ / ح: ۷۱۴).

### ب- وزن مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن (=مفاعیل)

ح: دیربست<sup>۱</sup> که دلدار پیامی نفرستاد  
 ح: ساقی به حریفان خط جامی نفرستاد  
 ح: پیرانه سرم عشق جوانی به سر افتاد  
 ح: زهر غم هجر تو به جان کارگر افتاد  
 ح: آن یار کزو خانه ما جای پری بود  
 ح: در دیده مرا بی تو پریشان نظری بود  
 دی‌گر نمونه‌ها: (ح: ۲۹ / ح: ۲۱۴)، (ح: ۴۶ / ح: ۱۶۲)، (ح: ۲۷۲ / ح: ۴۹۰).

### ج- وزن مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (= فاعلان)

ح: صوفی نهاد دام و سر حقه باز کرد  
 ح: تا سرو را هوای قدت سرافراز کرد  
 ح: دیشب به سیل اشک، ره خواب میزدم  
 ح: با یاد نرگست چو می ناب میزدم  
 ح: بنیاد مکر با فلک حقه باز کرد ۱۳۲  
 ح: پا از گلیم ناز چو زلفت دراز کرد ۳۲۷  
 ح: نقشی به یاد خط تو بر آب میزدم ۳۲۰  
 ح: پیمان را به گوشه محراب میزدم ۵۴۲

۱. این ترکیب از دیوان حافظ به تصحیح و توضیح دکتر خانلری برگزیده شد.

دیگر نمونه‌ها: (حا: ۲۷۵ / حز: ۴۸۳)، (حا: ۳۹۵، ۳۹۶ / حز: ۶۶۱، ۶۶۴).

### وزن مفاعِلن فعلاتن مفاعِلن فَعِلْن (= فع لن)

حا: صبا به تهنیت پیر می فروش آمد  
 که موسم طرب و عیش و ناز و نوش آمد ۱۷۵  
 حز: سَخَر ز هاتف میخانه‌ام سرروش آمد  
 که بایدت به در پیر می فروش آمد ۳۳۹  
 حا: به وقت گُل شدم از توبه شراب خجل  
 که کس مباد ز کردار ناصواب خجل ۳۰۵  
 حز: زهی به صبح بناگوشت آفتاب خجل  
 ز خط غالیه سای تو مشک ناب خجل ۵۲۹  
 دیگر نمونه‌ها: (حا: ۱۷۷ / حز: ۳۹۵)، (حا: ۳۵۰ / حز: ۵۹۰).

### ه- وزن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

حا: اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل مارا  
 به خال هندویش بخشم سمرقندوبخارا را ۳  
 حز: به آب از آتش می داده‌ام خاک مصلّا را  
 به باد از ناله نی داده ام ناموس تقوا را ۳۹  
 دیگر نمونه‌ها: (حز: ۸، ۶۸، ۷۰).

### و- وزن مفعول فاعلاتن // مفعول فاعلاتن

حا: دل می رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را  
 دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا ۵  
 حز: خواهیم درین گلستان دستوری صبا را  
 تا گرد سر بگردم آن یار بی وفا را ۷  
 حا: دست از طلب ندارم تا کام من برآید  
 یا تن رسد به جانان یا جان ز تن برآید ۲۳۲  
 حز: زان شمع گل‌گذاران هر جا سخن بر آید  
 پروانه از چراغان مرغ از چمن برآید ۳۷۹

### ز- وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعِلن (= فاعلان)

حا: در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع  
 شب‌نشین کوی سربازان ورندانم چو شمع ۲۹۴  
 حز: کرده عشق شعله‌خویی ریشه در جانم چو شمع  
 در نهال آتشین خود گدازانم چو شمع ۵۰۹

### ح- وزن مفعول مفاعیلن // مفعول مفاعیلن

حا: این خرّقه که من دارم در رهن شراب اولی  
 وین دفتری معنی غرق می ناب اولی ۴۶۶  
 حز: من رند خراباتم سرمست و خراب اولی  
 این عقل نصیحت گرمغلوب شراب اولی ۷۷۳

### ط- وزن مفتعلن مفاعِلن // مفتعلن مفاعِلن

حا: گلبن عیش میدمد ساقی گل‌گذار کو؟  
 باد بهار میوزد باده خوشگوار کو؟ ۴۱۴  
 حز: من نه حریف وعده‌ام طاقت انتظار کو؟  
 تا به آجل سپارمش جان امیدوار کو؟ ۷۱۱

یکسانی وزن و ردیف و نزدیکی قافیه: الف- وزن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فَعِلْن (=

فَعِلان، فع لن، فع لان) (حا: غزل ۱۸۲ / حز: غزل ۴۲۸)، (حا: غزل ۱۸۳ / حز: غزل ۴۴۷)، (حا:

غزل ۴۰۴ حز: غزل ۶۷۰. ب- وزن مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن (= فاعلان) (ح: ۲۲۵/حز: ۳۸۴).

**یکسانی وزن و ردیف و تفاوت قافیه: الف-** وزن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعِلن (= فعِلان، فن لن، فع لان) (ح: غزل ۱۸۲ حز: غزل ۴۱۳)، (ح: غزل ۳۶ حز: غزل ۱۶۶)، (ح: غزل ۲۰۹ حز: غزل ۳۱۰ و ۳۰۹)، (ح: غزل ۲۱۰ حز: غزل ۳۰۳). ب- وزن مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فع (= فاعلان) (ح: ۲۹۱/حز: ۴۹۷).

**یکسانی وزن و قافیه: الف-** وزن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (ح: ۱/حز: ۷۱، ۹۵، ۲۱۱) ب- وزن فعلاتن فعلاتن فعِلن (= فعِلان) (ح: ۸۰/حز: ۱۷۶).

### مفردات و ترکیبات

شعر حزین در غزلهایش رنگ و بوی عرفانی دارد وی بسیاری از واژه ها و ترکیبات عرفانی را که حافظ بکار گرفته و ویژه سبک اوست در غزلهایش به وفور آورده است: از جمله: می، باده، شراب، باده پیما، باده فروش، پُر خمار، خرّقه پوش، دُر دکشان، شب زنده دار، صبوّحی زدگان، می پرستی، پیر خرابات، پیر مُغان، پیر می فروش، جام جهان بین و... که در شعر هیچکدام از شاعران سبک هندی، این اندازه مشابهت به شعر حافظ را نمیتوان یافت. «شعر او در میان شاعران شیوه هندی یا اصفهانی شاید بیش از دیگران رنگ تصوّف داشته باشد و از تعبیرات عرفانی و صوفیانه و مضامینی از این دست که خاصه اهل عرفان است فراوان در شعر او می بینیم. تذکره نویسان نیز بعضی بدین نکته اشاره کرده اند؛ اما دلیل قاطعی بخصوص از خلال سرگذشت وی، که خود نوشته، بدست نمی آید که به سلسله ای از صوفیان پیوند داشته باشد. اما بی هیچ تردیدی طرز فکر و شیوه زندگی او کاملاً عارفانه بوده است.» (شاعری در هجوم منتقدان، شفیعی کدکنی: ص ۹۲)

با بررسی ترکیبات اضافی و وصفی و واژه های مرکّب و عطفی که حزین در غزلهایش بکار گرفته به مشابهت بیشتر سخن او و حافظ میتوان پی برد.

### برخی ترکیبهای اضافی و وصفی یکسان:

آتش نهفته (ح: ۸۷/حز: ۱۹۳)، آتش طور (ح: ۱۹، ۳۶۵/حز: ۲۱۰)، آتش محرومی (ح: ۱۲۹/حز: ۴۷۸)، آینه طلعت (ح: ۴۹/حز: ۵۶۷)، ابروی دلگشا (ح: ۳۳/حز: ۱۹، ۱۸۵)، ارباب نیاز (ح: ۴۲۲/حز: ۴۱۹)، اشک گلگون (ح: ۲۹۴/حز: ۱۸۲، ۷۹۶ و...)، باد سُرطه (ح: ۵:

/حز: ۳۷۲)، باده خوشگوار (حا: ۴۱۴ /حز: ۶۷۵، ۷۱۱)، باده گلرنگ (حا: ۳۰۹ /حز: ۶۳۲)، باغ  
 نظر (حا: ۲۴، ۴۵۰ /حز: ۳۰۳)، بانگ جَرَس (حا: ۲۶۷ /حز: ۱۵۲)، برگ عیش (حا: ۳۹۶  
 /حز: ۷۹۰)، بزم حریفان (حا: ۶۹ /حز: ۶۹، ۱۹۲)، بیتِ حَزَن (حا: ۳۸۸ /حز: ۸۸)، پرده پندار  
 (حا: ۱۶۰ /حز: ۷۱۳، ۷۶۴)، پیر خرابات (حا: ۳۳۱، ۴۰۵ /حز: ۱۰۸، ۱۱۰)، پیرِ مغان (حا: ۲۴  
 بار ۵۳، ۳۹ و... /حز: ۱۶۴، ۱۸۶ و...)، پیرِ می فروش (حا: ۱۰۰، ۱۷۵ و... /حز: ۳۳۹)، پیکِ صبا  
 (حا: ۱۴۴، ۴۶۷ و... /حز: ۲۰۰)، تطاول زلف (حا: ۱۲۷، ۱۹۵ /حز: ۲۰)، ثلاثه غَسَّاله (حا: ۲۲۵  
 /حز: ۳۸۴)، جام جهان بین (حا: ۸۱، ۱۴۲ و... /حز: ۴۸۷)، جام جهان نما (حا: ۳۳، ۱۸۷ و...  
 /حز: ۲۹۹، ۷۳۱)، جام صبوحی (حا: ۲۱۹، ۹، ۳۷۳ /حز: ۱۶۴)، جام مالامال (حا: ۳۰۲  
 /حز: ۳۰۰)، چشمِ مخمور (حا: ۴۹۴ /حز: ۲۵۶)، حُسن خداداد (حا: ۱۳۸، ۱۴۴ و... /حز: ۸۶،  
 ۴۸۵ و...)، حلقه زَنار (حا: ۷۷ /حز: ۶۹۷)، خاطر نازک (حا: ۴۰۱، ۴۱۶ /حز: ۱۷۸)، خانه خَمّار  
 (حا: ۱۰، ۷۷ و... /حز: ۲۵۷، ۶۱۸)، خرابات مَغّان (حا: ۳۳۵، ۳۵۷ /حز: ۷۰۴، ۷۶۳)، خرقة  
 پشمینه (حا: ۳۶۶، ۴۰۷ و... /حز: ۵۵، ۶۳۶)، خرقة تقوی (حا: ۳۳۱ /حز: ۶۵۷)، خرقة زهد  
 (حا: ۱۷، ۴۱۰ /حز: ۲۲۹، ۵۶۳ و...)، خرقة سالوس (حا: ۲، ۳۷۵ /حز: ۲۴۴، ۳۸۱ و...)، خسرو  
 خوبان (حا: ۴۷۵ /حز: ۴۸۱، ۷۴۹)، خسرو شیرین دهنان (حا: ۳۸۷، ۴۸۱ /حز: ۷۶۰)، خطِ  
 غالیه سا (حا: ۳۶۸ /حز: ۷۷۷)، خون سیاووش (حا: ۱۰۵ /حز: ۲۴۳)، دفع خَمّار (حا: ۱۸۹، ۳۲۵  
 /حز: ۴۳۶)، دلِ خام طمع (حا: ۲۵۰ /حز: ۳۳۳)، دل سودا زده (حا: ۳۶، ۳۶۸ /حز: ۳۱۰)، دلق  
 آلوده (حا: ۴۸۵ /حز: ۵۴۴)، دورِ قدح (حا: ۱۳۱، ۱۳۲ /حز: ۴۹۲)، دور نرگس (حا: ۱۲، ۳۷۰  
 /حز: ۴۷۶، ۵۶۱)، دیده اعتبار (حا: ۴۱۴ /حز: ۴۷۳)، دیده شب زنده دار (حا: ۴۵۷ /حز: ۲۰۲،  
 ۲۸۸ و...)، دیر مغان (حا: ۲، ۲۲ و... /حز: ۲۱۲، ۳۹۳ و...)، راز درون پرده (حا: ۷، ۶۵  
 /حز: ۲۹۸)، راه حجاز (موسیقی) (حا: ۱۳۲ /حز: ۵۱۵)، رطلِ گران (حا: ۸۷، ۱۵۴ و... /حز: ۴۲،  
 ۵۳ و...)، رندِ میخانه (حا: ۱۵۸، ۳۷۱ و... /حز: ۱۹۲)، رندِ شراب خواره (حا: ۳۵۰ /حز: ۵۹۰)،  
 زلف گره گیر (حا: ۲۶ /حز: ۴۲۰)، زمزمه چنگ و رباب (حا: ۲۹ /حز: ۲۱۴)، زهدِ خشک  
 (حا: ۱۱۹، ۲۷۵ /حز: ۲۷۵، ۵۴۴ و...)، زهد ریایی (حا: ۳۶، ۸۲ /حز: ۳۶، ۹۵ و...)، سجاده تقوا  
 (حا: ۱۵۱ /حز: ۲۶)، سرِ زلفِ سخن (حا: ۱۸۴ /حز: ۸۸)، شُربِ مدام (حا: ۱۱، ۱۵۰ و...  
 /حز: ۱۶۲)، شمشاد خوش خرام (حا: ۳۹ /حز: ۵۰۱)، شیخ شهر (حا: ۱۳۱ /حز: ۲۸۹)، شیوه  
 رندی (حا: ۴۲ /حز: ۵۵۶)، صدرِ مصطبه (حا: ۱۶۷، ۲۹۶ و... /حز: ۷۱۳)، طره شبرنگ (حا: ۱۴،  
 ۱۹۱ /حز: ۲۵۰)، طره شمشاد (حا: ۱۴۴ /حز: ۸۶، ۵۳۶)، طره طرّار (حا: ۲۵۲ /حز: ۳۸۵، ۴۰۲  
 و...)، عکس رخ یار (حا: ۱۱ /حز: ۳۴۵)، غمزه خنجر گذار (حا: ۹۱ /حز: ۵۳۴)، فیض ازل  
 (حا: ۴۳۹ /حز: ۳۸۳)، قبول خاطر (حا: ۳۷ /حز: ۵۵۵)، قهقه کبک (حا: ۲۰۷ /حز: ۴۴۱)، کارِ  
 فروبسته (حا: ۲۰۲، ۳۶۷ /حز: ۷۴۰)، کافرِ عشق (حا: ۲۶، ۱۲۷ /حز: ۶۹۳)، کرشمه ساقی

(حا: ۱۴۵، ۲۱۵ و... /حز: ۲۰۲)، کعبه مقصود (حا: ۵۲ /حز: ۱۱۹، ۱۶۲ و...)، کلک زبان بریده (حا: ۱۳۸ /حز: ۹۶)، کلک شکرخا (حا: ۴۱۰ /حز: ۳۸۸، ۵۱۷)، گدای میکده (حا: ۵۲ /حز: ۱۱۹ و...)، گردون دون پرور (حا: ۳۴۶ /حز: ۵۸۶)، گرو بادیه (حا: ۴۹۰ /حز: ۶۲۵)، گلبن عیش (حا: ۴۱۴ /حز: ۷۶۱)، گیسوی چنگ (حا: ۲۰۲ /حز: ۳۳۱)، لب لعل شکرخا (حا: ۳ /حز: ۱۶۸ و...)، محتسب شهر (حا: ۱۵۰ /حز: ۶۳، ۴۴۰)، مذاق جان (حا: ۱۰۴ /حز: ۶۷۵)، مغبجه بادیه فروش (حا: ۹، ۴۲۳ /حز: ۲۷۴)، مهر بنان (حا: ۲۹۶، ۳۷۱ /حز: ۵۷۸)، میخانه عشق (حا: ۱۹۹، ۳۱۹ /حز: ۶۱۷ و ۷)، می دو ساله (حا: ۲۵۶ /حز: ۱۲۴)، می دوشینه (حا: ۴۴۷ /حز: ۷۷۵)، می ریحانی (حا: ۴۷۲ /حز: ۳۹۶)، میکده عشق (حا: ۱۳۱، ۲۷۲ /حز: ۵۷۵، ۶۳۶ و...)، می گلرنگ (حا: ۲۶۳ /حز: ۵۶۴)، می گلگون (حا: ۳۷۶، ۴۵۸ /حز: ۱۸، ۲۴ و...)، ناز طیبیان (حا: ۱۰۶ /حز: ۴۲۲)، ناقوس دیر (حا: ۶۳ /حز: ۵۸۳)، ناوک دلدوز (حا: ۳۳۹ /حز: ۴۲۰)، نسیم گره گشا (حا: ۱۴۵ /حز: ۷۹۵)، واعظ شهر (حا: ۸۸، ۲۲۸ و... /حز: ۱۵۱)، یاقوت جانفزا (حا: ۴۲۵ /حز: ۱۸۰)

#### برخی کلمات مرکب یکسان

بادیه پیما (حا: ۱۵۳ /حز: ۳۸۸)، بادیه فروش (حا: ۹ و... /حز: ۲۷۴)، بزم آرا (حا: ۳۹۰ /حز: ۴۲)، پُر خُمار (حا: ۳۹۴ /حز: ۲۸۳)، پیمان شکن (حا: ۳۱۲ و... /حز: ۱۰۵)، جان پُرور (حا: ۴۱۵ /حز: ۱۶۲)، جرعه نوشی (حا: ۱۶۷ /حز: ۵۴۱)، چمن آرا (حا: ۲۴ و... /حز: ۲۱۸ و...)، خانه برانداز (حا: ۶۷ /حز: ۲۱۴)، خرقه پوش (حا: ۱۷۵ /حز: ۳۳۹ و...)، خونین جگر (حا: ۴۹۳ /حز: ۲۸۵)، دُرد کشان (حا: ۹ و... /حز: ۷۷۷)، دُردی کش (حا: ۳۵۲ /حز: ۶۵ و...)، زُهره جبین (حا: ۶۷ و... /حز: ۱۳۷)، سبکباران (حا: ۴۲ /حز: ۳)، سخر خیزان (حا: ۱۵۹، ۳۲۶ /حز: ۶۴۹)، سودا زده (حا: ۳۶، ۳۴۸ /حز: ۳۰۳، ۳۱۰)، سهی قدان (حا: ۴ /حز: ۳۵۵)، شب زنده دار (حا: ۴۵۷ /حز: ۲۰۲، ۵۳۱)، شراب آلوده (حا: ۴۲۲، ۴۲۳ /حز: ۳۸۹، ۴۳۳)، شراب خواره (حا: ۳۵۰ /حز: ۵۹۰)، شکر افشانی (حا: ۴۷۱ /حز: ۲۹۳)، شکر خواب (حا: ۲۱۲، ۲۳۶ و... /حز: ۳۵۷، ۷۴۰)، شکرشکن (حا: ۲۲۵ /حز: ۲۶۲)، شمشادقدان (حا: ۳۸۷ /حز: ۱۶۰)، صوحی زدگان (حا: ۲۰۲ /حز: ۴۴۰)، غزلخوان (حا: ۲۶، ۲۷۳، ۳۵۹ /حز: ۵۳۸)، کشتی شکستگان (حا: ۵ /حز: ۷۰۸)، گره گشا (حا: ۳۲ و... /حز: ۴۲۵ و...)، گلبانگ (حا: ۳۴ و... /حز: ۸۱۴ و...)، گلغذار (حا: ۲۶۸ و... /حز: ۲۸۷ و...)، مردافکن (حا: ۲۷۸ /حز: ۲۷۷)، می پرست (حا: ۴۱۳ و... /حز: ۴۲۴)، می پرستی (حا: ۲۷۴ و... /حز: ۷۶۱)، می فروش (حا: ۱۰۰ و... /حز: ۳۳۹)، می فروشان (حا: ۷۱ و... /حز: ۱۶۳)، نافه گشایی (حا: ۳۵۷ /حز: ۲۹۷)، وحشی صفت (حا: ۱۰۹ /حز: ۴۴۰)

## برخی گروه‌های اسمی عطفی یکسان

بربط و نی (حا: ۳۵۰ / جز: ۴۴۴)، برگ و نوا (حا: ۷۷ / جز: ۴۸۱، ۷۸۵)، تزویر و ریا (حا: ۲۰۲ / جز: ۳۲۲)، چشم و چراغ (حا: ۴۱۰، ۳۸۷ / جز: ۵۶۸)، چنگ و چغانه (حا: ۲۴۱ و ... / جز: ۷۰۹)، چنگ و رباب (حا: ۲۹، ۴۶۶ / جز: ۲۱۴، ۳۴۲)، دف و چنگ (حا: ۱۵۸، ۲۱۹ / جز: ۳۵۸)، رندی و عشق (حا: ۱۳۵ و ...) رندی و دُرد کشی (حا: ۱۶۸)، رندی و عشق و می کشی (جز: ۲۹۹)، سرو و گل و لاله (حا: ۲۲۵)، سرو و گل و ارغوان (حا: ۵۰۷)، شکر و شکایت (حا: ۱۷۹ / جز: ۷۲۸، ۱) شیخ و شاب (حا: ۲۶۳، ۴۲۱ / جز: ۷۲۸)، عشق و شباب و رندی (حا: ۱۵۴)، عشق و جانبازی و رندی (جز: ۲۷۴)، کعبه و بُتخانه (حا: ۲۰۸ / جز: ۱۶۵)، مستی و رندی (حا: ۳۴۱ و ...)، رندی و مستی (جز: ۶۷۴)، می و مطرب (حا: ۱۶، ۱۴۳ و ... / جز: ۷۶۴). لازم به یادآوری است که مشابهتهای سخن حافظ و حزین بحدی است که در این مقال نمیگنجد.

## ۲. تاثیر پذیری سبکی حزین از حافظ در سطح فکری

### اندیشه و مضامین

در غزلهای حزین چند مضمون برجستگی دارند یکی از آنها عشق است. با همه سوز و گدازهایی که در عشق راستین زبانه میکشد، از اسارت و در بند بودن عاشق و اشکباری او و بی‌مهری و بی‌وفایی یار بسیار داد سخن داده است. مضمون برجسته دیگر بازتاب نارسائیهای اجتماعی است که بسیار از ریاکاری و ریاکاران انتقاد میکند و از خرجه زهد و سالوس شکایت دارد زهد خشک و ریایی و زاهد حق پرست (طنز) و زاهد بی مغز و واعظ را از نیش سخن خویش در امان نگذاشته است. «او شاعری نیست که در گوشه ای دور از مسائل اجتماع، سر به زانوی مراقبه بگذارد و در عالم تخیل فقط به وزن و قافیه بیندیشد و درد مردم را نادیده انگارد. او عارفی مردمی و گوینده ای در صحنه سیاست روزگار خویش و دارای هدف سیاسی و اجتماعی است...» (مقدمه دیوان حزین لاهیجی تصحیح صاحبکار: ص ۱۹) برخی از مضمونهای مشترک عبارتند از:

### گناهکاری فرزندان آدم (ع)

حا: جایی که برق عصیان بر آدم صفی زد  
 حز: ما چون ز خرابات جهان پاک برآیم

### بخشش پیر مغان

حا: نیکی پیرمغان بین که چو ما بد مستان  
 هرچه کردیم به چشم گرمش زیبا بود ۲۰۳

پیش ابر گرم پیر مغان این همه نیست ۲۳۱

وان راز که در دل بنهفتم بدر افتاد ۱۱۰  
جوش ایام بهارم به خزان افتادست ۱۶۶

کاین گوشه پُر از زمزمه چنگ و ربابست ۲۹  
این گوش پُر از زمزمه چنگ و ربابست ۲۱۴

ای بیخبر ز لذت شرب مُدام ما ۱۱  
گر عکس رخ یار به پیمانہ در افتد ۳۴۵

که دور شاه شجاعست می دلیر بنوش ۲۸۳  
که بایدت به در پیر می فروش آمد ۳۳۹

ما را ز جام باده گلگون خراب کن ۳۹۶  
ساقی مرا به یک دو سه ساغر خراب کن ۶۶۱

برخیز و عزم جزم به کار صواب کن ۳۹۶  
بگذار دل ز دست و به ساغر شراب کن ۶۶۱

مجلس وعظ درازست و زمان خواهد شد ۱۶۴  
مطرب، چنگ و چغانه ات کو؟ ۷۰۹

وز نام چه پرسى که مرا ننگ ز نام ست ۴۶  
غم ننگ دارد، سر نام دارد ۲۷۵

حز: چه شد از توبه اگر دامن خشکی دارم

### عشق پیرانه سری

حز: پیرانه سرم عشق جوانی به سر افتاد  
حز: عهد پیرانه سرم عشق جوان افتادست

### پند ناپذیری عاشق

حز: در کنج دماغم مطلب جای نصیحت  
حز: ناصح بدم افسون که خراباتی عشقیم

### عکس رخ یار در پیاله دیدن

حز: ما در پیاله عکس رخ یار دیده ایم  
حز: در هر رگ ماهستی منصور کند خون

### پیام شنیدن از هاتف میخانه

حز: سَخَر ز هاتف غیبم رسیدمژده به گوش  
حز: سَخَر ز هاتف میخانه ام فروش آمد

### دم غنیمت شمردن و دعوت به خوشباشی

حز: زان پیشتر که عالم فانی شود خراب  
حز: زان پیشتر که گردش دوران کند خراب

### دعوت به کار صواب

حز: کار صواب باده پرستی ست حافظا  
حز: زاهد بیا و روی به راه صواب کن

### مجلس وعظ دراز است

حز: گر زمسجد به خرابات شدم خرده مگیر  
حز: افسانه واعظان درازست

### عاشق رند و نام و ننگ

حز: از ننگ چه گویی که مرانام ز ننگست  
حز: بود ننگ از نام رندی که در عشق

### هدایت کشتی و باد شُرطه

حا: کشتی شکستگانیم ای باد شُرطه برخیز  
 حز: از ناله‌های شبگیر دل یافت وصل مقصود

### قبول خاطر، خداداد است

حا: حسد چه میبیری ای سست نظم بر حافظ  
 حز: حزین آسان گرفتم میشود ربط سخن حاصل

قبول خاطر و لطف سخن خداداد است ۳۷  
 قبول خاطر دلها خداداد است می دانم ۵۵۵

**مضامین مشابه دیگر نیز در شعر حزین دیده می شود که دلیل بر تأثیر پذیری او از غزل‌های حافظ دلیل است:**

۱. همه جا خانه عشق است (حا: ۸۰/حز: ۱۶۵) ۲. حُسن یار ذاتی است (حا: ۳/حز: ۸۶) ۳.
- بی خبری زاهد از حال عارفان حق (حا: ۷۱/حز: ۶۳) ۴. چرخ برهم زخم از غیر مرادم گردد (حا: ۳۰۱/حز: ۲۴۹) ۵. انسان، شاهباز سدره نشین است (حا: ۳۵ تا ۵۸۱/حز: ۷۸۱) ۶. باده خوشگوار کو؟ (حا: ۴۱۴/حز: ۷۱۱) ۷. صراحی می کشم پنهان و مردم دفتر انگارند (حا: ۱۴۹/حز: ۷۱۴) ۸. خرقه رهن باده گذاشتن (حا: ۴۶۶ و... /حز: ۷، ۲۸ و...) ۹. چرخ، سیه کاسه است (حا: ۹/حز: ۴۷۷) ۱۰. سخن عشق، آغاز و انجام ندارد (حا: ۱۷۸/حز: ۲۷۵) ۱۱.
- چهره به می ارغوانی کردن (حا: ۱۹۵/حز: ۲۱۷) ۱۲. داغداری لاله (حا: ۱۷۴ و... /حز: ۵۰، ۶۲، ۱۸۰ و...) ۱۳. کاسه گردانی لاله (حا: ۲۶۲/حز: ۲۴۰) ۱۴. غمنازی باد صبا (حا: ۱۲۰/حز: ۹) ۱۵. باد صبا، رقیب عاشق است (حا: ۳۱۶ و... /حز: ۱۶، ۶۹۲) ۱۶. تشبیه لاله به تنورو چراغ و شعله وری آن با وزیدن باد (حا: ۱۷۵/حز: ۵۷۸) ۱۷. باده نوشی با محتسب شهر (حا: ۱۵۰/حز: ۶۳، ۴۴۰) ۱۸. انتقاد از زاهد و واعظ و... (حا: ۷۱، ۱۳۵، ۱۵۰ و... /حز: ۶۱، ۱۲۰ و...) ۱۹. مفاخره به عشق و رندی (حا: ۱۵۴، ۳۱۱ و... /حز: ۸۱، ۲۷۴ و...) ۲۰. انتقاد از خرقه و خرقه پوشی ریاکارانه (حا: ۲، ۸۹ و... /حز: ۵۵، ۲۱۴ و...) (بن مایه‌ها و مضامین دیگری را نیز میتوان برشمرد که به علت تنگی مجال از ذکر آنها خودداری میشود.

### صنایع ادبی

حزین همچون حافظ در بکارگیری صنایع ادبی و آفرینش تصاویر بیانی، افراط و تفریط نورزیده بلکه اعتدال و میانه روی را سرمشق خود قرار داده است. از تصاویر دور از ذهن و پیچیده برخی شاعران سبک هندی در شعر حزین نشانی نیست. حزین راه شاعران افراط‌گرا در نازک خیالی و مضامین دشوار را پیموده است. او نیز مانند حافظ به ایهام و شاخه‌های آن همچون: ایهام تناسب، ایهام تضاد، استخدام و ... علاقه نشان داده بویژه در

بکارگیری ایهام ساختاری ترکیبات زیبایی آفریده است: دل جمع ۶۰-۹، لب جان بخش ۷۰-۴، دامن دلداری ۳۱۹-۲، زلف دلارام ۳۸۳-۴، غمزه صیاد ۳۹۴-۱، ناوک دلداری ۴۵۷-۵، دل شب زنده دار ۵۰۵-۷ و... پرواضح است که تأثیر پذیری حزین از حافظ در آفرینش این ترکیبات غیرقابل انکار است.

### ایهام

گر نمیرد به سر بپوید باز ۲۶۲  
دل را به حرمت می، بیت الحرام گردان ۶۷۴  
ز خود برون شد و بر خود درید پیراهن ۳۸۸  
آری آری طیب انفاس هواداران خوش ست ۴۳  
یارب نشود ابر هوادار پریشان ۶۸۷

وآنجا به نیکنمی پیراهنی دریدن ۳۹۲  
امروز پریشانم و بسیار پریشان ۶۸۷

بجز ساغر که باشد دستگیرم ۳۳۱  
جز تاک درین کهنه سرا سلسله ای نیست ۱۸۷

ای دل خام طمع این سخن از یاد ببر ۲۵۰  
سر شوریده دلان محرم آغوشش باد ۳۳۳

کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم ۳۱۹  
دلها به سر زلف پریشان تو بسته است ۱۵۷

ح: گرد بیت الحرام خُم حافظ  
حز: کلکم زغمه چون نی میراب رحمت تست  
ح: رسید باد صبا غنچه در هواداری  
ح: از صبا هر دم مشام جان ماخوش میشود  
حز: جمع آمده امروز می و مطرب و ساقی

### استخدام

ح: خواهیم شدن به بستان چون غنچه بادل تنگ  
حز: دی بود مرا چون گره غنچه دلی تنگ

### استثنای منقطع

ح: غم گیتی گر از پایم درآرد  
حز: از دوده ارباب گرم فیض رسانی

### ایهام ساختاری

ح: زلف چون عنبر خامش که ببوید هیبهات  
حز: از سر زلف، دل خام طمع در تابست

### ایهام تضاد

ح: از [خلاف آمد عادت بطلب کام که من  
حز: جمعیت عالم همه آشفته نسازی

### برخی تشبیهات فشرده یکسان (اضافه های تشبیهی)

بهار عارض (ح: ۱۲۰/حز: ۳)، چراغ دیده (ح: ۳۲۳/حز: ۲۸۸ و...)، دایره عشق (ح: ۴۴۱/حز: ۲۱۸)، خیل غم (ح: ۳۳۰/حز: ۷۴۹)، خیل خواب (ح: ۴۳۳/حز: ۷۲۸)، خیل خیال (ح: ۲۳۵ و.../حز: ۴۰۸)، شاهد مقصود (ح: ۱۰۵/حز: ۶۸۲ و...)، شمع دل (ح: ۲۷/حز: ۲۰۹)،

۱. این واژه نیز از دیوان حافظ به تصحیح و توضیح دکتر خانلری برگزیده شد.

شهر هستی (حا: ۴۲۸/حز: ۶۷۴)، طیب عشق (حا: ۱۲۹ و... /حز: ۲۹۰ و...)، عقد ثریا (حا: ۳/حز: ۳۲۰)، قباي ناز (حا: ۲۶۰/حز: ۷۴۳ و...)، کوی نیکنامی (حا: ۵/حز: ۶۷۱)، گلبن عیش (حا: ۴۱۴/حز: ۷۴۱)، لب لعل شکرخا (حا: ۳/حز: ۱۶۸، ۱۹۹) و...

### برخی استعارات مصرّحهٔ یکسان

پسته خندان (حا: ۳۰۱/حز: ۱۵۷)، دختر رز (حا: ۱۸ و... /حز: ۱۹۳)، سرو چمان (حا: ۱۹۲/حز: ۲۲۵)، سرو خرامان (حا: ۲۲۳ و... /حز: ۱۶۰ و...)، سرو سهی (حا: ۲۵۴ و... /حز: ۶۰۴)، سرو گل اندام (حا: ۴۶/حز: ۴۰۳)، لعل خاموش (حا: ۳۲۷/حز: ۴۷)، لعل سیراب (حا: ۵۱/حز: ۳۷۸)، نرگس جادو (حا: ۹۹، ۱۴۰ و... /حز: ۳۰۵، ۴۰۷)، نرگس فتان (حا: ۷۵، ۲۷۱ /حز: ۳۷۸ و...)، نرگس مخمور (حا: ۴۳۳/حز: ۶، ۳۰۳ و...)، نرگس مست (حا: ۲۷ و... /حز: ۸۴ و...)، نرگس مستانه (حا: ۲۷۶/حز: ۱۶۸ و...) و نمونه های فراوان دیگر.

### نتیجه

حزین لاهیجی از آخرین شاعران سبک هندی است و از پیشگامان اعتدال‌گرایی در سبک هندی به شمار می‌رود. در غزل حزین دیگر از مضامین مبهم و چند لایه، نازک خیالیهای افراطی و حتی اسلوب معادله‌ها و ارسال مثلها و... اثری نیست. گرچه وی در غزل‌هایش به تتبع و پیروی از شاعرانی همچون: سنایی، عطار، عراقی، مولوی، سعدی، جامی، بابافغانی و نظیری نیشابوری و... پرداخته است اما در این تحقیق نشان داده شد که بیشترین تأثیرپذیری غزل‌های حزین لاهیجی در اکثر جنبه‌ها از شعر حافظ شیرازی است نه دیگر شاعران. امید است که این پژوهش دفاعی از حزین در مقابل منتقدانی چون خان آرزو و میر محمد عظیم، متخلص به ثبات، باشد.

## منابع

۱. بیگانه مثل معنی، محمدی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، چاپ اول، تهران، میترا.
۲. تأثر حافظ از عراقی و سعدی، سبحانی، توفیق، (۱۳۶۸)، چاپ اول، تهران، پیک ترجمه و نشر.
۳. تذکره ریاض الشعراء، واله داغستانی، علیقلی، (۱۳۸۴)، تصحیح و تحقیق محسن ناجی نصرآبادی، چاپ اول، تهران، اساطیر.
۴. تذکره ریاض العارفین، هدایت، رضاقلی خان، (۱۳۸۵)، مقدمه، تصحیح و تعلیقات ابوالقاسم رادفر، گیتا اشیدری، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۵. دانشنامه زبان و ادب فارسی، سعادت، اسماعیل، (۱۳۸۶)، چاپ اول، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۶. دیوان، حافظ، شمس الدین محمد، (۱۳۶۹)، به اهتمام محمد قزوینی، قاسم غنی، مقدمه و ... رحیم ذالنور، چاپ اول، تهران، زوآر.
۷. دیوان، حافظ، شمس الدین محمد، (بی تا)، تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری، چاپ سوم، تهران، خوارزمی.
۸. دیوان، حزین لاهیجی، (۱۳۶۲)، با مقدمه و تصحیح بیژن ترقی، چاپ دوم، تهران، خیام.
۹. دیوان، حزین لاهیجی، (۱۳۸۴)، به تصحیح ذبیح الله صاحبکار، چاپ سوم، تهران، سایه.
۱۰. سبک شناسی، بهار، محمد تقی (ملک الشعراء)، (۱۳۶۹)، چاپ پنجم، تهران، امیر کبیر.
۱۱. شاعری در هجوم منتقدان، شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۷۵)، چاپ اول، تهران، آگاه.
۱۲. فرهنگ ادبیات فارسی، شریفی، محمد، (۱۳۸۷)، چاپ اول، تهران، نشر نو.
۱۳. فرهنگ عروضی، شمیسا، سیروس، (۱۳۷۵)، چاپ سوم، تهران، فردوسی.
۱۴. لغت نامه، دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران.
۱۵. مجمع الفصحاء، هدایت، رضاقلی خان، (۱۳۸۲)، به کوشش مظاهر مصفا، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر.
۱۶. نتایج الافکار، گوپاموی، محمد قدرت الله، (۱۳۳۶)، اردشیر خاضع، بمبئی، بی چا.
۱۷. نقد خیال، فتوحی رود معجنی، محمود، (۱۳۷۹)، چاپ اول، تهران، روزگار.

## مقالات

- مقاله نگاه حزین لاهیجی به شاعران در اصناف شعر، علی مؤذنی، سبک شناسی نظم و نشر فارسی، تابستان ۹۰، شماره ۱۲.